

جنگ پلوزیوم نبرد کمبوجیه با مصریان

در ابتدا باید گفت که برخی از محققین معتقد هستند که کوروش اصلا به فکر حمله به مصر نیافتاد ، چون حدود مرزهای ایران بسیار وسیع بود و کوروش نیازی به کشور گشایی بیشتر نداشته است. حدود مرزهای ایران از طرف غرب شامل بحر الجزایر (دریای اژه) و دریای مدیترانه - از طرف شرق تا حدود رود سند-از سمت شمال به دریای سیاه ، کوه های قفقاز ، دریای مازندران و رود سیحون-از سمت جنوب به خلیج فارس و دریای عمان می رسیده است. برخی دیگر از تاریخ نگاران می گویند که کوروش به فکر حمله به مصر افتاد ولی رسیدگی به کارهای شمال شرق و شرق ایران این فرصت را به او داد که به مصر حمله کند. با تمام این احوال کبوجیه از روزی که به حکومت رسید نقشه تسخیر مصر را در

سر می پروراند.

هرودوت به نقل از مصری ها در کتاب تاریخ خود نوشته است که کمبوجیه سفیری را به مصر می فرستد و دختر آمازیس ، فرعون مصر را خواستگاری می کند. این اقدام کمبوجیه بر اثر تحریک يك چشم پزشك (كحالم) مصری مقیم دربار ایران بوده است. چون کوروش وقتی از آمازیس پادشاه مصر خواست که بهترین چشم پزشك مصر را انتخاب کند و به پارس بفرستد ، او این شخص را انتخاب می کند. او را از زن و فرزندانش جدا می کند و به پارس می فرستد. از این نظر این چشم پزشك سخت از آمازیس می رنجد و از کبوجیه می خواهد که دختر آمازیس را خواستگاری کند. بر اثر این تقاضا ، فرعون مصر تصمیم می گیرد به جای دختر خودش ، دختر پادشاه سابق مصر را نزد کمبوجیه بفرستد. مدتی کمبوجیه در اشتباه بود تا اینکه دختر راز خود را فاش می کند و به کمبوجیه

مي گويد كه من دختر «آپري يس» هستم. به همين دليل كمبوجيه بسيار ناراحت مي شود و تصميم مي گيرد كه به مصر حمله كند. ولي به نظر نمي رسد اين گفته مصريها صحت داشته باشد، چون حمله كمبوجيه به مصر بر اثر ميل به جهانگيري بوده است. از آنجايي كه تاريخ نشان مي دهد، وقتي ملتي به فكر گسترش قلمرو و متصرفاتش بود، هر پادشاهي كه به تخت سلطنت مي نشيند آن راه را ادامه ميدهد تا به متصرفات موروثي مقداري افزوده شود و از نظر شهرت از نيادگان خود عقب نماند.

هرودوت در مورد شروع سفر جنگي

كمبوجيه به مصر مي نوسد شخصي بنام فانس از آمازيس فرعون مصر بسيار رنجيده مي شود و از مصر مي گريزد. او خود را به پارس مي رساند و اوضاع مصر را براي شاه بيان مي كند. او به كمبوجيه توصيه ميكند از راه خشكي وارد مصر شود، به اين منظور

کمبوجیه سفیري را نزد پادشاه عرب در عربستان مي فرستد و از او اجازه مي خواهد که از کشورش عبور نماید. پادشاه عرب هم موافقت مي کند و آب انبارهاي را در صحراي عربستان و شبه جزيره سينا (عربستان سنگي عهد قدیم) براي استفاده سپاهيان کمبوجیه مي سازد.

آمازیس فرعون مصر از شنیدن خبر لشکرکشی کمبوجیه بسیار نگران مي شود. چون او در موقع لزوم هیچ کمکی به لیدیه و بابل نکرده بود حالا که این خبر را شنیده بود ، فکر مي کرد ، کمبوجیه با داشتن نیروي دریایی قوي که از فنیقني ها و یونانی هاي آسیای صغیر تشکیل داده بود ، از راه دریا به مصر حمله خواهد کرد. بنابراین با جزایر یونان و قبرس که تابع دولت ایران نبودند وارد مذاکره شد تا کشتي هاي خود را به کمک نیروي دریایی مصر بفرستند. از خوش شانسی کمبوجیه آمازیس که شخصي مدیر و فعال بود

درميگذرد و پسامتیک (فستمیخ) سوم جانشین او مي شود. این پادشاه آدمي نبود که بتواند مصر را از دست دشمني نیرومند مانند كمبوجيه نجات دهد.

جنگ با مصري ها به نقل از هرودوت

لشکر ایران از کویر مي گذرد و به پلوزيوم که در کنار شعبه اول رود نیل از سمت مشرق قرار دارد ، مي رسد و در مقابل قشون مصر صفوف خود را مي آراید. سپس جنگ

سختي شروع مي شود و به هر دو طرف تلفات زيادي وارد مي شود ، ولي بالاخره مصريان وادار به تسليم مي شوند. مصري ها پس از اين شكست با بي نظمي به طرف منفيس پايتخت مصر باستان فرار مي کنند. تسليم شدن مصري ها اهالي ليبيا (اين ليبيا با کشور ليبيا تفاوت دارد و ظاهراً شامل قسمت وسيعي از قاره آفريقا منهاي مصر و حبشه مي شده است.) را به وحشت مي اندازد و آنها بدون جنگ کردن باجي را

براي براي خود معين کرده و به
 همراه هدايائي براي كمبوجيه مي
 فرستند. اهالي سيرن (از
 مستعمرات يونان در آفريقا) و
 برقه هم باج و خراج خود را به
 همراه سفيراني نزد كمبوجيه مي
 فرستند.

پس از تسخير ارگ
 (قلعه) منفيس ، كمبوجيه
 پسامتیک را دوباره حاکم مصر
 کرد ولي به سبب شورشي که
 ايجاد کرد ، کشته شد. سپس
 كمبوجيه به شهر سائيس رفت.

این شهر در نزد مصریان بسیار مقدس بود. پس از تصرف مصر کبوجیه به فکر حمله به قرطاجنه ، آمون و حبشه افتاد. از آنجایی که حمله به قرطاجنه باید از طریق دریا صورت می گرفت ، بنابراین کبوجیه از فنیقی ها کمک خواست. ولی چون این کشور از مستعمرات سابق فنیقیه بود ، آنها حاضر به کمک کبوجیه نشدند ، بنابراین او از حمله به قرطاجنه منصرف شد. کبوجیه به نزد پادشاه حبشه سفیرانی را فرستاد ، ولی

پادشاه حبشه به سفیران پارسی
چیزهایی را نشان داد و
حرف‌رهایی را گفت که آنها تا
حدی ترسیدند ، ولی عاقبت
کمبوجیه به حبشه حمله کرد. اما
او به دلیل اینکه غذا و تدارکات
لازم را برای سپاهیان‌ش فراهم
نکرده بود ، با دادن تلفات زیادی
مجبور به عقب نشینی شد.
کمبوجیه لشکری را که برای
تصرف حبشه فرستاد دو قسمت
کرد و قسمتی را برای تصرف
شهر آمون (آمون یا خدای
خورشید یکی از خدایان بزرگ

مصر باستان است) فرستاد ولی
از سرنوشت آنها اطلاع دقیقی
بدست نیامده است. با تمام این
احوال در زمان داریوش اول و
خشایارشا حبشه و قرطاجنه جز
کشورهای تابعه ایران بودند.

متاسفانه بعضی از تاریخ
نگاران یونان باستان کبوجیه را
فردی خشن و جلاد معرفی کرده
اند که کشتار زیادی در مصر به
راه انداخت. بعضی دیگر نیز او
را فردی دیوانه معرفی کرده اند
، ولی بنظر نمی رسد این ادعاها

سند تاريخي معتبري داشته باشند. زيرا اگر او فردي ديوانه يا خشن بود هرگز نمي توانست بر فرعون قدرتمند مصر پيروز شود و تا مدتي بر مصر حكومت كند. يونان ها همچنين نقل قول كردند كه كمبوجيه بدليل علاقه به خواهرش با او ازدواج مي كند و بر اثر اختلاف نظري كه در مورد قتل برادرش برديا با همسرش پيدا مي كند ، او را مي كشد. ولي به نظر نمي رسد اين گونه ادعاها هم سند تاريخي معتبري داشته باشند. ظاهرا

كمبوجيه فرزند پسري نداشته
است كه بتواند او را به عنوان
جانشين خود تعيين كند.

تصرف مصر توسط
كمبوجيه به نقل از مصري
ها

شرق شناسان بزرگ
اروپايي براي تايد صحت

اين مطالب به سزدي
معتبر از يك فرد مصري
که معاصر کبوجيه بود ،
دست يافتند. توضيح اينکه
در مقر کليساي واتیکان
مجسمه اي از يك نفر
مصري وجود دارد که
شاهد فتح مصر بدست
کمبوجيه بوده است. اين
مجسمه داراي کتيبه اي
است که حاوي شرح

زندگانی صاحب مجسه و
وقایع آن زمان مصر
است. این مجسمه
مربوط به پسر رئیس
معابد مقدس شهر
سائیس است. او در زمان
آمازیس فرعون مصر
علیا و سفلی، خزانه دار
پادشاه، رئیس قصر
سلطنتی و فرد مورد
اعتماد کامل پادشاه بوده

است. او سپس در زمان
پسامتیک سوم رئیس کل
کشتی های پادشاهی
مصر باستان شد. پس از
تسلط کمبوجیه بر مصر ،
او فرد مورد اعتماد و
پزشک بزرگ مصر می
شود. او از کمبوجیه
خواهش می کند که
عظمت معبد بزرگ نیت
(مادر خدایان مصر

باستان) و چند معبد ديگر
را كه مربوط به خدايان
مهم بود و در شهر
سائيس قرار داشت ، به
آنجا برگرداند و آسيابي
هايي را كه در معبد
«نيت» اقامت داشتند ،
از آنجا بيرون كند.
كمبوجيه هم چنين مي
كند و زمينها و خانه هاي
خوب به مصري ها مي

دهد. او در مورد خدمات
خود به مردم مصر می
نویسد که آنها را از
بدبختی و گرسنگی نجات
داده است. از این نوشته
ها چنین بر می آید که
کمبوجیه در مصر دقیقاً
مانند کوروش بزرگ در
بابل رفتار کرد و به تمام
آداب رسوم مصری ها
احترام گذاشت.

در بعضی از
روایت ها نوشته اند که
کمبوجیه معابد مصری ها
ویران کرد ولی به مکان
های مقدس یهودیان و
قوم بنی اسرائیل احترام
گذاشت. ولی طبق اسناد
و نوشته های مصریان ،
آنها کمبوجیه را زاده
خدای بزرگ «را» و
فرعون قانونی خود می

دانستند و بر اين عقيد
بودند كه كه با رفتن او به
مصر سلسله بيست و
ششم (26) فراغنه يا
سلسه پادشاهان سائيس
منقرض مي شود و
سلسه بيست و هفتم
(27) تاسيس مي شود
كه تا زمان پادشاهي
اردشير دوم هخامنشي
ادامه پيدا مي كند .

